

بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و سنجش و گرایش

آنان به تغییر شیوع معیشت

دکتر علی شکور^۱

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

دکتر محمدرضا رضایی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

چکیده

توزیع فضایی عشایر می‌رساند که زندگی کوچندگی در ایران از تنوع بسیاری برخوردار است و باید با توجه به شرایط جغرافیایی هریک از واحدهای متجانس قطب‌های عشایری برنامه‌های مشابهی ارائه نمود چون در غیر این صورت به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌توان دست یافت. امروزه در کشور با سه گروه عملده روبرو هستیم: ۱- گروهی که اسکان یافته‌اند ۲- گروهی که در انتظار فرصت برای اسکان هستند. ۳- گروهی که در حال حاضر به کوچ ادامه می‌دهند. شکل‌گیری هریک از این الگوها در منطقه جغرافیایی از کشور تحت تأثیر عواملی مانند توپوگرافی، اقلیم، پوشش گیاهی، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد. در این پژوهش مشخصه‌های ایل قشقایی در زمینه‌های جمعیتی، اقتصادی به تفکیک تولید و درآمد و هزینه مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج بررسی‌ها نشان از بنیان‌های ضعیف مالی گروه کوچنده در عشایر است و با سایر گروهها در سطح آماری معنی‌دار است. مهمترین نکته در این زمینه این است که شیوه‌ی تولید عشایری هماهنگی‌های خود را با مقتضیات زمان از دست خواهد داد و این شیوه باید متحول شود. بدین منظور در محیط‌های عشایری باید مطالعات کارشناسی دقیقی انجام شود و نمی‌توان برای تمام مناطق عشایری ایران یک شیوه از معیشت را اعمال نمود. بلکه هر قطبی نوعی برنامه‌ریزی ویژه را می‌طلبد. از این رو علاوه بر شناخت ویژگی‌های ساختاری، معرفت همه‌جانبه از روحیات، انگیزه‌ها و تمایلات عشایر در خصوص مقوله تغییر و تحول در شیوه تولید و جایگزینی دامداری‌های بسته و متمرکز شایان هرگونه دقت ویژه می‌باشد. پژوهش حاضر نشان داد که عشایر مورد مطالعه با تأکید بر برخی عدم وابستگی‌های ایل گرایش در مجموع مثبت برای دگرگونی در شیوه تولید عشایری را دارا هستند.

واژگان کلیدی: گروه‌های عشایری، اقتصاد عشایر، شیوه معیشت، ایل قشقایی، فیروزآباد

مقدمه

امروزه که جامعه جهانی به لحاظ پیچیدگی پدیده های اجتماعی و اقتصادی با سرعت غیر قابل کنترلی در مسیر تکامل خود قرار دارد و هر روز تغییرات و تحولات گوناگونی در جوامع بشری رخ می دهد، جامعه عشایری نمی تواند به عنوان جامعه ای غیر مرتبط و بسته با دیگر جوامع در سطح ملی و جهانی از روند این تغییرات به دور مانده و به زندگی خود ادامه دهد. از طرف دیگر نظام زندگی عشایر مبین آن است که بنیان اقتصادی این نظام بر تولیدات دامی قرار دارد و دامپروری اساس اشتغال منبع تأمین درآمد و یکی از علل بقای جامعه می باشد. دامپروری بر مبنای استفاده از مرتع پایه ریزی شده است. مربع انسان، دام، مرتع، آب اساس و شالوده زندگی عشایری را تشکیل می دهد. در کشور ما جامعه عشایری به عنوان جامعه سوم در کنار جامعه شهری و روستایی مطرح گردیده است که به دلیل ویژگی های خاص معیشتی و فرهنگی خود کوچندگی را به دنبال داشته است و عملاً از دو جامعه دیگر متمایز می شود (شیخی، ۱۳۶۹، صص ۶۳۸-۶۴۵). روند کاهشی جمعیت عشایری ایران از حدود یکصد سال پیش تا بحال متحیر کننده و تکان دهنده است. برآوردهای جمعیتی عشایر حاکی از آن است که در سال ۱۸۸۴ میلادی حدود ۲۵٪ از کل جمعیت، عشایری بوده است در صورتیکه سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کشور در سال ۱۳۶۶ نشان می دهد که جمعیت عشایر در آن سال به ۲/۲٪ از کل جمعیت کشور تقلیل یافته است. چنین کاهش جمعیت سریعی در جامعه پرورش دهنده دام در کشور در شرایط نداشتن تولیدات جایگزین، کشور را با مشکل مواجه می کند.

زمانی که کل جمعیت کشور با توجه به بافت سنتی و فرهنگ جامعه در سال ۱۸۸۴ میلادی ۷۶۵۴۰۰۰ نفر بوده است، ۲۵٪ از کل جمعیت کشور زندگی ایلی داشته است. در آن زمان درصد قابل توجهی از جمعیت کشور روستایی و جامعه شهری نیز در مقیاس وسیعی دامداری داشته است. از طرف دیگر آمارهای کشور در سال ۱۳۶۶ حاکی از آن است که در آن سال در حالیکه کل جمعیت کشور ۵۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر بالغ شده بود تنها ۱/۱۵۲/۰۰۰ نفر یا ۲/۲٪ از کل جمعیت کشور را عشایر تشکیل می داده اند. لذا با توجه به تغییر در ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور، چنین تغییرات سریعی در ارقام در خور تأمل و آینده نگری فراوان است (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶).
جامعه عشایر کوچنده با ۱/۲ میلیون نفر (متشکل از ۹۶ ایل و ۵۴۷ طایفه مستقل) معادل ۲/۵٪ جمعیت کشور را تشکیل می دهد (مشیری، ۱۳۷۲، ص ۱).

از عشایر با ۱۷/۵ میلیون واحد دامی حدود ۲۵٪ واحد دامی کشور را دارا می باشند که از این تعداد ۲۲٪ گوسفند و بره ۲۳٪ بز و بزغاله و ۳٪ گاو کشور را شامل می شود و بالغ بر ۲۷/۲ ارزش افزوده دامپروری کشور از آن دام عشایر می باشد (بیانیه و پیام های کنفرانس بین المللی عشایر، ۱۳۷۱).

سه چهارم فلات ایران را علفزارهای فقیر و بیابان های خشک تشکیل می دهد که طبق برآورد های انجام شده کل مساحت مراتع ایران ۹۰ میلیون هکتار است و مقدار کل علوفه این مراتع ۱۰ میلیون تن می باشد. با توجه به انواع مراتع در ایران از ابعاد گوناگون و تفرق و پراکندگی آن در سطح کشور، میزان مراتع خوب و متوسط ۸ میلیون هکتار و مراتع فقیر ۴ میلیون هکتار برآورد شده است (بخشنده نصرت، ۱۳۷۸، ص ۱۶۴) براساس بیانیه کنفرانس بین المللی عشایر (شهرکرد، ۱۳۷۱) جمعیت عشایر کوچنده ایران به فرض عدم اسکان تا سال ۱۳۹۰ به حدود

۳۲۰ هزار خواهد رسید. بنابر این در طی این مدت حداقل ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار خانوار عشایر کوچنده قادر نخواهند بود که بر پایه دامداری متکی بر مراتع امرار معاش نمایند و مجبور به کوچ شده و به سمت سایر فعالیت های اقتصادی دیگر روی آورند. در این صورت لازم است زمینه یک جانشینی و اسکان مازاد جمعیت عشایر کوچنده در هر منطقه ایلی به کمک سازماندهی فضایی و استقرار فعالیت های اقتصادی و تولیدی غیر وابسته به مرتع فراهم شود. با در نظر گرفتن اینکه انجام هر حرکت و تحول در راستای بهبود وضعیت جامعه عشایری کشور مستلزم شناخت و آگاهی نسبت به وضعیت موجود این جامعه است، بنابر این بررسی وضع موجود، ویژگی های جمعیتی و اقتصادی عشایر کشور، نقطه آغازین برنامه ریزی جهت هرگونه گرایش متعالی و تحولی برای این قشر اجتماعی است (قنبری، ۱۳۶۷، ص ۶۵).

هدف تحقیق

هدف اصلی تحقیق شناسایی ویژگی های بنیانی، شیوه های تولید و دستیابی به بعد اثباتی معیشت ایل قشقایی فیروزآباد می باشد. هدف دیگر تعریف شده، پی بردن به چگونگی تغییر و تحول در شیوه تولید و چگونگی سرمایه گذاری و احتمالاً جایگزینی نوع دیگری از شیوه دامداری ها و تغییر نوع معیشت به تفکیک گروه های غالب کوچنده، نیمه اسکان و اسکان یافته ایل است. با توجه به هدف تحقیق پرسشهایی مطرح شد:

۱- دیدگاه و نظرات خانوارهای عشایر مورد مطالعه درباره ی مسائل عمده زندگی شان چیست؟

۲- نگرش خانواده های عشایری درباره تغییر شیوه معیشت چیست؟

روش تحقیق

جمعیت آماری این تحقیق را عشایر ایل قشقایی فارس تشکیل می دهد. در پژوهش حاضر از دو روش استفاده شده است:

الف) روش کتابخانه ای: که با استفاده از منابع موجود اطلاعات استخراج شده است.

ب) روش مشاهده یا مطالعات میدانی: که بر اساس آن پرسشنامه تنظیم و اطلاعات بدست آورده شده است. استخراج از پرسشنامه محور اساسی اخذ اطلاعات می باشد که در سطح جمع آوری از اطلاعات خانوارها، مالکیت و ... تهیه شد.

نمونه آماری بر اساس روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای^۱ و به کارگیری عملیات مربوط به حجم نمونه ها و اندازه گیری واریانس جامعه آماری براساس روش های معمول مبتنی بر مالکیت دام تعیین شده است. بنابر این نمونه مورد نظر از ۱۰۰ خانوار عشایر ایل قشقایی و طوایف مختلف آن تشکیل می شود اما به طور کلی طوایف مختلف در نظر گرفته نشده و تحقیق خاص کل است از جامعه عشایر ایل قشقایی. از این تعداد به طور مساوی از گروه های مختلف عشایر:

^۱ - Stratified random sampling

الف) کوچنده ب) نیمه اسکان یافته ج) اسکان یافته پرسش‌نامه توزیع شده است. پرسشنامه‌ها شامل شناسایی وضعیت موجود برای بیان شرایط و کشف رابطه و همچنین جهت دادن به تعیین نگرش خانوارها پیرامون مسائل عمده حال و آینده زندگی آنها و چگونگی تغییر شیوه‌های تولیدی و معیشتی بوده است.

پیشینه تحقیق و مروری بر کارهای انجام شده

برای دستیابی به استراتژی مناسب توسعه زندگی هر جامعه‌ای مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و شناخت استعدادها بالقوه و بالفعل و همچنین تنگناهای موجود از ضروریات است. در خصوص عشایر با تأکید بر پدیده اسکان و گروه‌های عشایری مطالعات زیادی انجام گرفته و مطالب بسیاری نوشته شده است. با نگرش به ادبیات تحقیق در مطالعات پیشین در ۳۰ سال گذشته موارد زیر مطرح شده است:

دکتر عباس بخشنده نصرت در مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر بیان کرده است که معیشت عشایر کوچنده در ایران مبنای اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و تاریخی دارد و توزیع فضایی عشایر کوچنده نشانگر آنست که بیش از نصف جمعیت عشایری ایران در جنوب و جنوب غربی بسر می‌برند که این عده در حدود $\frac{1}{3}$ از دام عشایر کوچنده را مالک‌اند و در غرب ایران نیز این وضعیت در حال فزونی است و بخش مهمی از این جماعت به علت فقر دام و تکافو نکردن مراتع به سمت اسکان گرایش پیدا کرده‌اند.

با اینکه قسمت غرب از شمال غرب تا جنوب از نظر توزیع فضایی مراتع خوب و آب کافی در درجه اول اهمیت قرار دارد، ولی جمعیت رو به رشد آن در آینده‌ای نه چندان دور تعادل دام و مرتع را به هم خواهد زد و سرنوشت آن رادچار سرنوشت عشایر جنوب و جنوب غرب خواهد نمود.

همچنین نامبرده اضافه می‌کند ما شاهد این واقعیت هستیم که جهت‌گیری‌های اقتصادی در کشور موجبات گسترش فقر را برای دامداران کوچنده فراهم آورده است. ایشان سازماندهی چند سطحی جمعیتی بر یک نظام سازماندهی منطقه‌ای و محلی گونه‌های معیشت کوچی را به منظور سازماندهی زندگی جماعت عشایری پیشنهاد می‌کند.

مسئله اساسی عشایر از دیدگاه مردم‌شناسی این است که عشایر در مسیر تحول تاریخی به صورت قشری ضعیف و محروم از دستاوردهای تمدن جدی به زندگی سنتی خود ادامه داده‌اند. این قشر محروم را باید دریافت. در بررسی مردم‌شناسانه خویش پاسخ را در تحول زندگی عشایر و بالا بردن سطح تولید و اتخاذ تدابیری در این راستا می‌یابد. دکتر امان‌اللهی معتقد است اسکان را نباید اجباری کرد زیرا تاکنون نتیجه مثبتی حاصل نشده است بلکه باید بر اساس یک پرسشنامه علمی دقیقاً مشخص نمود چه تعداد از عشایر تمایل به یکجا نشینی رمه‌گردانی و یا ادامه کوچ دارند (امان‌اللهی، ۱۳۶۹، ص ۵۹۹). شواهدی نیز به انعطاف‌پذیری عشایر تأکید کرده و می‌گوید که انعطاف‌پذیری عشایر بهترین موقعیت اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر تجدید حیات عشایر ایران می‌باشد. عشایر ایران به شیوه‌های مختلف به بازارهای جهانی تجاری شدن و ارتقای وضع موجود خویش پاسخ مثبت داده است، و فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری، اشتغال و تجمع سرمایه که عشایر می‌توانند ایجاد کنند اثرات قابل ملاحظه‌ای بر طبقه بندی اجتماعی در ایران خواهد داشت (منصوری، ۱۳۸۱، صص ۶۰-۷۱). اهلرز در تحقیقات خود متذکر شده که در مباحث مربوط

به اسکان سه مرحله قابل تشخیص است. مرحله اول صحرا نشینی به معنای اخص وجود دارد و چادرنشینی شیوه عالم سکونت است.

رابطه ویژه ای با روستا و شهر ندارد، مسیر کوچ طولانی است و با نظم مشخصی از مراتع زمستانی به سوی مراتع تابستانی و بالعکس جریان دارد. در مرحله دوم با از بین رفتن تدریجی هویت اصلی چادرنشینی مشخص می شود، مسافت کوچ کوتاه تر می گردد و شیوه سکونت از چادرنشینی به سکونت گاه های فصلی در دهات عشایر تبدیل می شود.

در بعضی موارد اسکان دایمی در روستاهای عشایری و یا حتی در روستاهای منطقه دیگر صورت می گیرد. در مرحله سوم مهمترین بنیان اقتصاد و عشایر یعنی مراتع یا مشکل مواجه می شود. به علت توسعه زمین های زیرکشت و یا لزوم استفاده روستائیان از مراتع عرصه برای عشایر تنگ می گردد و لزوماً تدابیر اسکان اتخاذ می شود. کشاورزی جایگزین مرتع داری می گردد. دهات عشایری به دهات سنتی تبدیل و با ارایه خدمات کار به عنوان کارگری در مناطق روستایی و شهری و تداوم آن موجبات ادغام تدریجی عشایر در جوامع روستایی و شهری فراهم می گردد. (Ehlers . ۱۹۸۰ ، ۲۵۵) از سال ۱۳۶۷ سازمان برنامه و بودجه استان فارس (استانداری کنونی) طرح مطالعه اسکان عشایر را تحت عنوان خصوصیات اقتصادی- اجتماعی خانوارهای عشایر اسکان یافته فارس را مورد تصویب قرار داده و به مرحله اجرا گذاشته است.

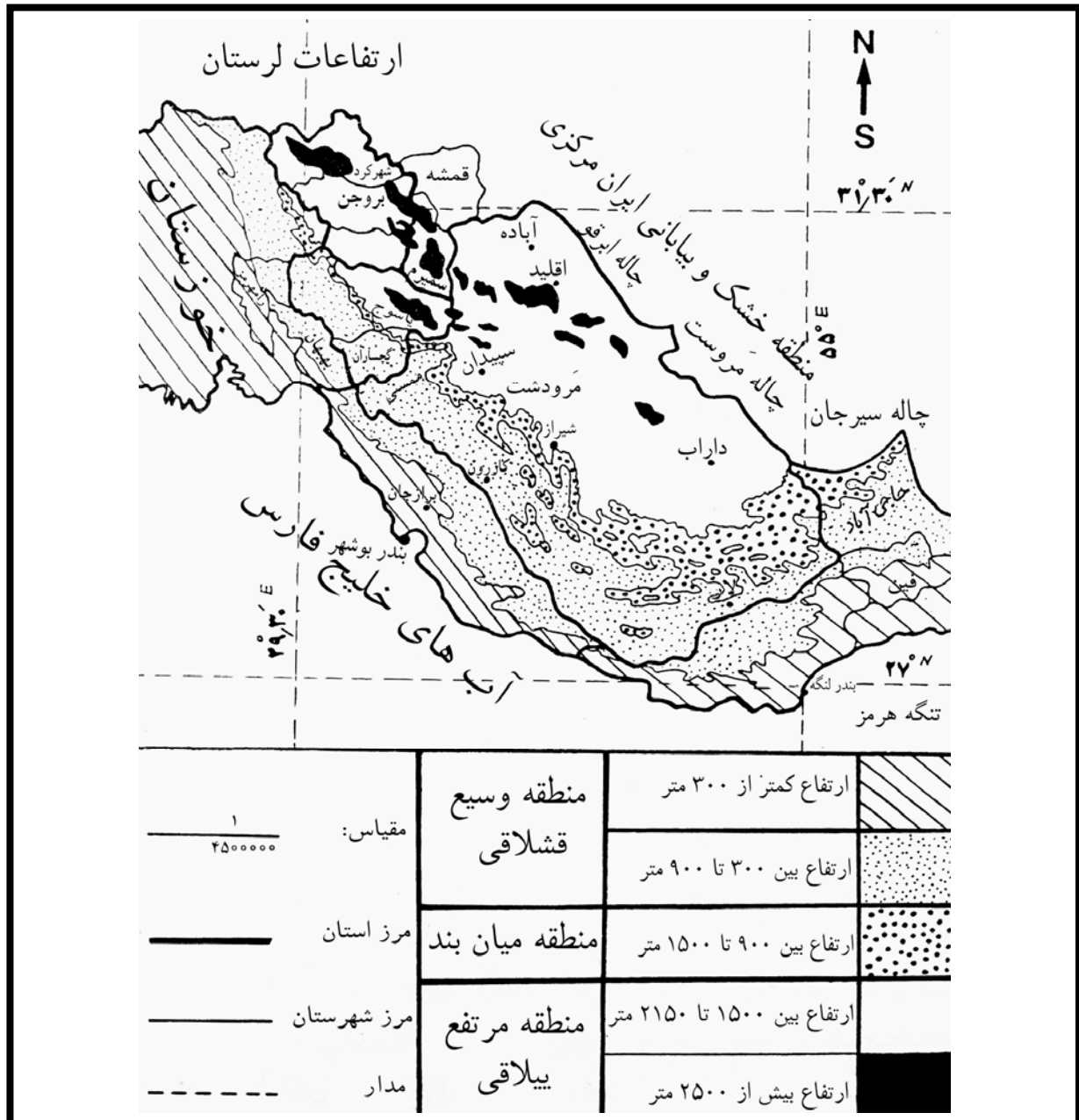
هدف کلی از این طرح بررسی جنبه های مثبت و منفی اسکان عشایر و نقش آن در توسعه اجتماعی و اقتصادی شهرستان فیروز آباد است. این پژوهش در جستجوی تشخیص ویژگی های خاص عشایر اسکان یافته و نیز بررسی عوامل موثر در ترک زندگی کوچی و انتخاب زندگی یکجا نشینی به وضعیت اشتغال و محل زندگی عشایر اسکان یافته توجه نشان داده و مشکلات زندگی کوچی و یکجانشینی را از دیدگاه عشایر اسکان یافته مورد بررسی قرار می دهد.

مشخصات جغرافیایی

شهرستان فیروزآباد در موقعیت جغرافیایی ۲۸ درجه و ۲۲ دقیقه تا ۲۹ درجه و ۳۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه تا ۵۳ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی واقع است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی فارس، ۱۳۸۲) این شهرستان با ۳۴۴۵ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران و استان فارس قرار گرفته است. این شهرستان مرکز اصلی ایل قشقایی در استان فارس است. ایل قشقایی یکی از ایلات بزرگ ایران است که به همسایگی ایلات خمسه در نواحی جنوبی ایران و در استان های فارس، خوزستان، بوشهر و قسمتی از استان اصفهان سکونت داشته و بیلاق و قشلاق می کنند (بهرامیان، ۱۳۸۷، ص ۲۰) محدوده بیلاق و قشلاق این ایل حاشیه ای است به طول ۲۵۰ کیلومتر و عرض ۳۰ تا بیش از ۵۰ کیلومتر قلمرو گرمسیری (قشلاق) قلمرو بیلاق آزاد در شمال استان و از نظر وسعت به مراتب کوچکتر از قلمرو گرمسیری و در حدود نصف آن است. مناطق مذکور بر خلاف قلمرو گرمسیری که یکپارچه و به هم متصل می باشد بیشتر پراکنده اند (صفی نژاد، ۱۳۷۵) جمعیت ایل قشقایی فیروز آباد ۱۰۰۰۰ نفر است که شامل ۲۰۰۰ خانوار می باشند.

تعیین کننده زمان کوچ عوامل جوی است. برای حرکت و جابجایی از سردسیر به گرمسیر و بالعکس زمان خاصی تعیین نشده است. گاهی خشونت طبیعت تاریخ حرکت را به جلو می اندازد و زمانی تا یک ماه به تأخیر وا می دارد.

زمانی هم خشکسالی باعث کوچ زودتر می گردد. با ازدیاد جمعیت ایل و کثرت دام بین مردم عشایر برای رسیدن به بیلاق و قشلاق و چرای میان بند رقابتی شدید بوجود آمده و این آزادی عمل باعث شده که علوفه سردسیری و هنوز سر از خاک بیرون نیاورده تخریب گردد (کیانی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۳).



نقشه شماره ۱: محدوده استقرار ایل قشقایی

منبع نقشه: (مستوفی الممالکی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۶)

یافته‌های تحقیق با تأکید بر الگوی اسکان

برای کسب اطلاع از بعد اثبات ضرورت اسکان بنیان های اقتصادی عشایر فیروز آباد در گروههای سه گانه مورد ارزیابی قرار گرفت. چنانچه گفته شد در حدود ۱۰۰۰۰ نفر عشایر کوچ رو در اطراف این شهرستان حدود ۷ ماه از

سال اقامت دارند که ۷۰٪ از آنها از مردم ایل قشقایی هستند که در فعالیتهای اقتصادی شهرستان موثرند. که بیشترین درصد آن در گروه نیمه اسکان و اسکان یافته اند. از مقایسه میانگین سطح زیر کشت استنباط شد که مقدار آن در بین دو گروه فوق بیشتر است در این رابطه اختلاف بین گروه اسکان یافته و کوچ در سطح بالایی معنی دار است. از نظر تعداد دام آمار نشان دهنده تعداد دام بیشتر در گروه کوچرو می باشد که با توجه به وضعیت اقلیمی و خشکسالی های اخیر ضرورت اسکان اهمیت بیشتری می یابد. مقایسه درآمد ویژه دامداری در گروههای مختلف نشان دهنده آنست که بازیافت ویژه دامداری (درآمد منهای هزینه های متغیر) در گروه نیمه اسکان بالاتر از اسکان یافته و کوچرو می باشد. مقایسه متوسط درآمد ویژه خانوار در گروههای مختلف حاکی از آنست که درآمد ویژه خانوار در گروههای عشایر نیمه اسکان و اسکان یافته در حد قابل ملاحظه ای بالاتر از درآمد گروه کوچرو می باشد. بررسی آماری نشان داد که بنیان تولید عشایر در گروههای عشایری مورد مطالعه دلالت بر ضعف بنیان اقتصادی گروه کوچرو داشته و نشان دهنده این واقعیت است که از بعد ساختاری و زیربنایی شیوه معیشت عشایری کوچ قابلیت دوام نداشته و الزاما باید زمینه های تحول را در شیوه تولید عشایر فراهم ساخت.

جدول شماره ۱: برخی از انواع تولیدات در گروههای سه گانه

گزینه های بنیانی تولید	نیمه اسکان اسکان یافته	کوچ- اسکان یافته	نیمه اسکان- اسکان یافته
درآمد انواع دام	ب < الف***	ج < الف***	ج > ب**
درآمد کلی خانوار	ب < الف***	ج < الف***	ج > ب-
هزینه های دامداری	ب < الف-	ج > الف***	ج > ب-
وسعت اراضی زیرکشت	ب < الف-	ج < الف***	ج < ب-
وسعت اراضی	ب < الف***	ج < الف***	ج < ب-
متوسط دام	ب < الف-	ج < الف	ج < ب-
متوسط تعداد گوسفند	ب < الف*	ج < الف-	ج > ب-
متوسط تعداد بز	ب < الف***	ج < الف***	ج > ب*
			ج > ب-

منبع: یافته های پژوهش

توضیح: *** اختلاف معنی دار در سطح کمتر از ۱٪ * اختلاف معنی دار در سطح ۳٪ با ۹۷٪ اطمینان
 ** اختلاف معنی دار در سطح ۱٪ با ۹۹٪ اطمینان — اختلاف بدون سطح تضمین
 با توجه به اینکه برنامه ریزی توسعه بعنوان یکی از سرفصل های مهم مسائل اقتصادی و اجتماعی مطرح شده است. کشور ها تلاش می نمایند با بسیج امکانات و توان مندی های خود به اهداف توسعه در تمام ابعاد اقتصادی و اجتماعی نائل آیند و به طریقی راهبردهای توسعه جوامع را توصیه نمایند که همواره ضمن حفظ ارزش های نظام موجبات پیشرفت زندگی مادی و معنوی جامعه را فراهم آورند. به همین دلیل تعیین خطوط اساسی نگرش در الگوهای معیشت پیرامون مسایل اقتصاد عشایر، هدف عمده این بخش را تشکیل می دهد:
 اکثریت عشایر در طرح الگوهای سه گانه معیشت (کوچ، نیمه اسکان و اسکان یافته) نسبت هزینه به درآمد را عامل مهم و بازدارنده ای در توسعه زندگی عشایر می دانند.
 بررسی ها در گروههای عشایر نشان می دهد که آنها معتقدند چرای زودرس، بی رویه و همچنین عدم تکافوی مرتع از نظر ظرفیت باعث لطمه ی نوع معیشت می شود(جدول شماره ۲)

جدول شماره ۲: نتایج استخراجی از پرسشنامه گروههای سه گانه در مورد مراتع

برخی پارامترهای سنجش مراتع	کوچ رو	اسکان یافته	نیمه اسکان
چرای بی رویه	٪۸۶	٪۱۰۰	٪۹۸
چرای زودرس	٪۸۷	٪۹۰	٪۹۵
عدم تکافوی ظرفیت	٪۸۸	٪۹۵	٪۹۶
گم شدن وسعت مراتع نسبت به گذشته	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

منبع یافته های پژوهش

یکی دیگر از موارد استخراج از پرسشنامه ها از مشکلاتی عنوان شده که مشخص نبودن حقوق عشایر در مراتع مشکل جدی جهت ادامه زیست آنهاست. از طرف دیگر کلیه عشایر کوچ زندگی آینده خود را با خطر نابودی زندگی ایلی خود عنوان می کنند، حال آنکه عشایر اسکان یافته و نیمه اسکان چنین نظری ندارند و حتی نسبت به آینده خوش بین تر هستند.

جدول شماره ۳: وضعیت آینده زندگی عشایر ایل قشقایی فیروزآباد

الگوی زیست	در خطر	خوشبین	روبه بهبود	بدون نظر	اگر با رضایت ایل باشد و دولت حمایت کند آینده بهتری خواهد داشت
اسکان یافته	۳۸	۵۰	۱۰	—	۲
نیمه اسکان	۲۱	۱۹	۳۱	—	۲۹
کوچنده	۹۳	۲	—	—	۵

منبع: یافته های پژوهش

جدول شماره ۴: جنبه های مثبت زندگی عشایر از دیدگاه مصاحبه شوندگان

جنبه های مثبت	اسکان یافته	نیمه اسکان	کوچرو
آب و هوای خوب در بیلاق و قشلاق	۵۹	۶۳	۳۶
مراتع مرغوب در بیلاق و قشلاق	۱۱	۱۰	۲۵
کمکهای بهداشتی و درمانی	۲۵	—	—
هیچ جنبه مثبتی ندارد	—	۲۰	۹
بدون نظر	۵	۷	۳۰

منبع: یافته های پژوهش

تحولات مختلف در وضعیت عشایر از گذشته تاکنون به همراه مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ارتباط با آنها تعمق پیرامون آینده این جامعه را ایجاب کرده است منتهی دیدگاه واحدی در این خصوص حاکم نبوده است. بهر حال اگر قرار است طرحی برای زندگی عشایر تدوین و اجرا شود باید دقیقاً در ارتباط با تغییر شرایط زندگی آنها باشد یعنی اصل و محور باید عشایر باشند. در این زمینه نظر خود عشایر نیز همین است. عشایر نیمه اسکان و اسکان یافته به تفسیر در شیوه نظر منفی دارند ولی نظر اکثریت عشایر کوچرو منطقه به اسکان دیدگاه مثبت دارند.

جدول شماره ۵: چگونگی تغییر در شیوه معیشت عشایر (استخراج از پرسشنامه)

الگوی زیست	موافق از کوچ به اسکان	مخالف از کوچ به اسکان	بی تفاوت
اسکان یافته	—	۴۵	۵۵
نیمه اسکان	۱۰	۶۵	۲۵
کوچرو	۵۴	۲۰	۲۶

منبع: یافته های پژوهش

همه اتفاق نظر دارند که نکته قابل توجه در ارزیابی اجتماعی - اقتصادی زندگی عشایر کوچنده وجود مربع انسان، دام، مرتع و آب است. وابستگی انسان به دام و وابستگی متقابل دام به انسان از طریق جستجوی بیلاق و قشلاق تبلور می یابد. شیوه تولید عشایری از کهن ترین شیوه های تولید در آسیاست. با این وصف در کنار یادگارهای کهن مناسبات امروز سرمایه داری ضعیف سوداگری وابسته پیرامونی به شکل خاصی از زندگی عشایری گسترانیده شده است.

بقایای مشترک زمین، فقدان سرمایه گذاری ثابت، ساختار پایدار اشتغال از موضعی بسیار عقب مانده بر خلاف پایداری شغلی در جامعه صنعتی پیشرفته از مشخصات ماندگار این شیوه تولید است. در این زمینه اکثریت عشایر کوچرو نسبت به جایگزینی کشاورزی و تلفیق آن با دامداری و دامپروری با روش های جدید دیدگاه مثبت دارند. از طرف دیگر اکثریت عشایر کوچرو به لحاظ پیدا کردن راهی برای رهایی از تغییر شیوه معیشت ایلی بدون از بین رفتن وابستگی ایلی نظر مثبتی را در همراهی با انواع طرح های اقتصادی در شاخه هایی مانند مرغداری، پرورش ماهی، زنبورداری، جنگلداری و مرتعداری ارایه می دهند. این در حالی است که عشایر نیمه اسکان یافته و اسکان یافته تمایل چندانی به همکاری در طرح های متنوع اقتصادی ندارند.

جدول شماره ۶ نتایج تمایل عشایر در ارتباط با مشارکت در طرح های اقتصادی.

اسکان یافته	نیمه اسکان	کوچرو	الگوی زیست
			طرح های اقتصادی پیشنهادی
	۲۵	۸۰	مرغداری
۶۵	۶۰	۹۵	دامداری مدرن
۷	۳۰	۹۴	پرورش ماهی
۱۴	۳۵	۸۰	قالیبافی
۱۰	۲۰	۸۵	زنبورداری
۲۵	۲۹	۸۴	مرتع داری
۳۰	۳۵	۸۵	جنگلداری

منبع: یافته های پژوهش

نتایج و بحث

با توجه به اهداف برنامه ی توسعه اجتماعی و اقتصادی ضرورت اسکان عشایر کاملاً مشهود است، چون معیشت عشایری سنتی است و با نظام توسعه اقتصادی و اجتماعی به معنی بهینه آن سازگار نیست. از طرف دیگر باید توجه نمود که اجتماع ما روز به روز در حال توسعه و پیشرفت بیشتر است و متأسفانه این پیشرفت اغلب متوجه شهرنشینان می باشد؛ بنابراین باید در زمینه امور اجتماعی و سیاسی اقداماتی برای ساکن شدن جوامع یکجا نشین صورت گیرد. در این زمینه باید دقت شود زیرا چنین احساس می شود که برخی از شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور در حدی نیست که بتواند برنامه اسکان پیاده شود. مهم ترین دلیل اینست که کشور ما برای معیشت شهری و روستایی با مسایل عدیده و بعضاً لاینحلی روبروست و تا آنها برطرف نگردند اسکان عشایر نیز مشکل خواهد بود.

به عنوان مثال هم اکنون در کشور ما مهاجرت روستاییان به شهرها ادامه دارد و در این زمینه نتوانسته ایم درآمدهای سرانه روستایی را افزایش دهیم که آنان رغبت ماندن در روستا را داشته باشند یا برنامه ریزی های توسعه روستایی ما آنقدر کند و لاک پشتی است که مهاجرت نتوانسته است به راحتی از آن پیشی گیرد و لاقط چندین سال دیگر طول خواهد کشید که این فاصله از بین برود و ساختارهای روستایی به نمود عینی و واقعی تبدیل گردد تا مهاجرت صفر و یا روند آن کاهش پیدا کند.

از طرف دیگر جوامع شهری ما هنوز نتوانسته است برای جوانانی که در سن فعالیت هستند ایجاد اشتغال نماید و بسیاری نیز از مشکل بیکاری رنج می برند. در حالیکه بسیاری از این نیروی جوان حتی از تخصص های لازم نیز برخوردارند. از این رو باید ضمن توجه به کل جامعه عشایری برای ثبات اقتصادی و حالت پویایی آن برنامه ریزی خاصی طرح ریزی شود که ضمن ثبات معیشت آنها با تغییر یک نوع معیشت دومی نیز شکل بگیرد که بر معیشت قبلی برتری داشته باشد.

بنابر این نباید به طور کامل دست به تغییر شیوه معیشت زد بلکه ابتدا باید زمینه را طوری فراهم نمود که هریک از قطب های عشایری با توجه به شناخت ویژگی های جغرافیایی آنها حالت پویایی از پیشرفت و تحول ایجاد شود نه اینکه آنها از کوچ دست بکشند و به طرف شهرها و روستاها روی آورند و خود مشکلات را دوچندان نمایند. اسکان عشایر بحثی است بیشتر مربوط به قرن اخیر که با دیدگاههای مختلف مطرح شده است. اما به طور خلاصه می توان برداشت ها را چنین خلاصه نمود.

- تغییر شیوه معیشت عشایر و هدایت آنها در جهت جذب در روستاها و شهرها

- اسکان عشایر در حاشیه روستاها با حفظ شیوه معیشت سابق

- اسکان عشایر در روستاها و بکارگیری آنها در واحدهای دامپروری و دامداری صنعتی

تحقیق حاضر نشان می دهد که رابطه ها و نسبت های اندازه گیری شده به صورت تطبیقی در الگوهای غالب زندگی عشایری ضعف نسبی قابل ملاحظه و عشایر کوچرو را در مقام مقایسه با سایر گروهها نشان می دهد. این بررسی ها نشان داد که هر نوع برنامه ریزی جهت توسعه زندگی عشایر یک ضرورت تام است. زیرا امروزه آنها کاملا دریافته اند که هرگونه جابجایی با رمه و گله موجبات برخوردار نشدن از امکانات لازم و کافی اقتصادی و رفاهی و زیستی خواهد گردید. در نتیجه تغییر شیوه معیشت در این قلمرو زیستی از حالت دامداری کوچندگی به نیمه کوچندگی و رمه گردانی گرایش یافته است. مبانی زندگی اقتصادی انسان هنگامی که از یک تحول فن آوری برخوردار نگردد و عوامل فن آوری شامل انسان، ابزار، نهاد ابزار و اطلاعات در راستای تحول قرار نگیرد نمی توان آن را یکباره دگرگون ساخت.

جهت هرگونه برنامه ریزی در جهت تغییر معیشت باید از شرایط جغرافیایی طبیعی حاکم، باورهای اجتماعی، شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی الهام گرفت. این تغییر در صورتی موجه است که با تغییر شیوه تولید غیر وابسته با مرتع همراه باشد و به منظور دامپروری در جهت تولید بیشتر طراحی گردد زیرا در غیر این صورت به فقر بیشتر منجر خواهد شد.

از طرف دیگر بخش عمده ی این پژوهش نشان داد که نگرش های عشایر در گروههای سه گانه حکایت از عدم درک و به رسمیت شناختن خصوصیات فرهنگی عشایر به وسیله افراد جامعه، نگرش منفی نسبت به روند آینده، مدیریت ناکارآمد مراتع، نگرش نه چندان مطلوب به تغییر شیوه معیشت و به خصوص عدم پذیرش گسیختگی از وابستگی ایلی، تلفیق با فعالیت دامی و عدم رهایی آن حتی برای آینده نسلهای خود، علاقه فراوان به توسعه دامداری و دامنه ترجیحات سرمایه گذاری آمادگی برای تحول نو تنوع فعالیت های تولید دامی در طریق ادغام دام داری با کشاورزی و ضرورت حمایت نهادها و دولت نکات قابل توجه و پنداشته های خانوارهای عشایری می باشند.

منابع

- امان اللهی بهاروند، اسکندر(۱۳۶۹). مسایل و مشکلات کوچ نشینان از دیدگاه مردم شناسی. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر تهران. سازمان امور عشایر ایران.
- بخشنامه نصرت، عباس(۱۳۶۹). برنامه ریزی توسعه زندگی عشایر ایران. تهران: سازمان امور عشایر ایران،
- بخشنامه نصرت، عباس(۱۳۷۸). مبانی کوچ و کوچندگی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم،
- بهرامیان، الله داد(۱۳۷۸). نگاهی به تاریخ و فرهنگ ایلات شش بلوکی و رحیم لوقشقایی. شیراز: انتشارات تخت جمشید،
- پیرا، برلینگ(۱۳۷۸) کوچ نشینان ایل قشقایی فارس. ترجمه فرهاد طیبی پور. تهران: نشر پژوهش،
- شیخی، محمدتقی(۱۳۶۹). مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر. تهران: سازمان امور عشایر ایران،
- صفی نژاد، جواد(۱۳۷۵). عشایر مرکزی ایران، چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر،
- قنبری، علی(۱۳۶۷) بهره وری در نظام دامداری عشایر. فصل نامه عشایری انقلاب، شماره ۵،
- کیانی، منوچهر(۱۳۷۶). سیه چادرها. شیراز: انتشارات کیان نشر،
- مرکز آمار ایران(۱۳۶۶). نشریه سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده. تهران
- مستوفی، رضا(۱۳۷۷). جغرافیای کوچ نشینی، با تأکید بر ایل قشقایی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی،
- مشیری، سید رحیم(۱۳۸۰). جغرافیای کوچ نشینی(مبانی و ایران). تهران: سمت، چاپ پنجم
- منصوری، مسعود(۱۳۸۱). بررسی مقایسه ای زمینه های اقتصادی تولید در گروه های عشایری و گرایش تحول آنان به تغییر و تحول در شیوه تولید عشایری. مطالعه موردی ایل جلالی - غرب کشور. فصل نامه علوم اجتماعی، شماره اول، پیاپی

Ehlers.E(1980). IRAN,Grundzuege Eniner. Geographischen landeskunde,wissenschaftliche
Bunhgesellschaft Darmstadt,S

Garthwaite. GR(1992). Does Pastoval Nomadism Have a Future in Iran, Zakhayere Enghlab,19

Schweizer.G(1992).Types of Traditional Mountain Nomadism in Iran: flexibility as a chance for
development, Zakhayer-e Enghelab,19